

## بازیگران فروملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سید محمد طباطبائی<sup>۱</sup> - امیر جعفرزادگان<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

### چکیده

دولت محوری طی قرن‌های متمادی گفتمان غالب در روابط بین‌الملل بوده و تنها کشنگر نظام بین‌الملل دولت‌ها بوده‌اند. پس از پایان جنگ جهانی دوم بسترهای نظری و برخی واقعیت‌های عملی منجر به کم‌رنگ شدن دولت و ظهور کشنگران جدید شد. کشنگرانی که در نظریات ضد رئالیستی روابط بین‌الملل از جمله لیبرالیسم و شاخه‌های منبعث و تنوری‌هایی نظیر پست‌مدرن به رسمیت شناخته شده و با طرح مفاهیمی نظیر جامعه مدنی جهانی، فراملی‌گرایی، جهانی شدن و قدرت نرم زمینه‌ساز بروز تغییراتی در شکل و ماهیت روابط بین‌الملل شدند. علاوه بر این بسترهای نظری، برخی واقعیت‌های عملی مثل نفوذپذیری حاکمیت دولت‌ها و طرح موضوعات جدیدی مانند حقوق بشر، محیط زیست به این تغییرات سرعت بخشیدند. تغییراتی که به پررنگ شدن نقش عناصر فروملی در سیاست خارجی کشورها انجامید. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز متأثر از کشنگرانی است که به انحاء مختلف بر سیاست خارجی کشور تأثیر بگذارند. اما بازیگران فروملی چگونه بر سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارند؟ نقش آفرینی بازیگران فروملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از طرق مشارکت در دیپلماسی عمومی کشور، ترویج فرهنگ ایرانی‌اسلامی، اقدامات انسان‌دوستانه و حمایت‌گرانه، هنجارسازی، انعقاد توافقات و مبادلات فنی تجاری صورت پذیرفته است.

**واژگان کلیدی:** بازیگران فروملی، فرسایش دولت محوری، کشنگران نوین، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فراملی‌گرایی

smtab@atu.ac.ir  
a.jafarzadegan@gmail.com

۱. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)  
۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

هر عنصر و پدیده‌ای که بر تعاملات جهانی تأثیر بگذارد، به عنوان بازیگر روابط بین‌الملل شناخته می‌شود. برای مدت‌های طولانی دولت‌ها مهمترین و تنها بازیگران سیاست بین‌الملل بودند و قدرت نخستین و مهمترین تعیین‌کننده کنش بازیگران بود. به باور واقع‌گرایان، بازیگران اصلی و مهم در روابط بین‌الملل دولت‌ها هستند و دیگر بازیگران در راستای خدمت به آنها رفتار می‌کنند و یا اینکه دولت‌ها برای نیرومندی خود از آنها بهره می‌جویند.

به این ترتیب دولت از مشروعیت و پذیرش ویژه‌ای برخوردار بود و از نیرو و حاکمیت لازم برای کنترل شهروندان، قانون‌گذاری و اجرای آن بهره‌مند بوده‌است. در این مدت رئالیسم به عنوان گفتمان مسلط در روابط بین‌الملل بر بازیگری اصلی دولت‌ها تأکید زیادی کرده و کارکرد بازیگران غیر حکومتی را تابعی از رفتار دولت‌ها می‌پندارد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم اصول اساسی نظام دولت محور دچار چالش جدی شده و جای خود را به گونه‌ای از روابط جدا از مرزبندی‌های سنتی و حاکمیت تام و انحصاری دولت‌ها داد؛ دگرگونی‌های ساختاری در روابط کشورهای جهان پدید آمد و امکان تحرک سایر بازیگران را در عرصه بین‌الملل پدید آورد. رشد این دسته از کنشگران که ناشی از رویکردهای تئوریک و برخی رخدادهای عملی بوده به انحاء و در اشکال مختلف منجر به تغییر نقش دولت و حاکمیت در نظام بین‌الملل شد.

در بعد مفهومی و نظری بر پایه رویکرد لیبرالیسم، پیدایش بازیگران غیردولتی با بهره‌گیری از مفاهیم وابستگی متقابل، جامعه مدنی جهانی و فراملی‌گرایی که وجود و نقش آفرینی سازمان‌های غیردولتی در پوشش آنها می‌گنجد، به این امر منجر شد که در جهان کنونی مرزهای میان دولت‌ها به شکل فزاینده‌ای نفوذپذیر شده و بازیگران مستقل تازه‌ای در کنار دولت‌ها شکل گرفتند. این موضوعات با شکل‌گیری اندیشه جهانی شدن وارد فاز جدیدی شد که فرسایش بیش از پیش حاکمیت دولت‌ها را موجب شد.

پدیده جهانی شدن با ایجاد فرآیند نفوذپذیری مرزها و سیال و سیاسی شدن آنها، دولت‌ها را آسیب‌پذیرتر و حاکمیت را محدودتر کرده؛ مرزبندی‌های پیشین بین انسان و دولت را بر هم زده است و چهار دگرگونی بزرگ در کشورداری پدید آورده که عبارتند از: ۱- افزایش ارتباطات فرامرزی بین بازیگران غیردولتی؛ ۲- افزایش قوانین و نهادهای غیر حکومتی؛ ۳- افزایش مشارکت

بخش خصوصی در تدوین مقررات جهانی؛ ۴- گسترش جامعه مدنی جهانی (ویلتر، ۱۳۸۳: ۸۰۹). از بعد عملی نیز با شکل‌گیری آگاهی عمومی در برابر نگرانی‌های انسانی چون محیط‌زیست، حقوق بشر، زنان، توسعه نیافتگی و ...، شکل‌های تازه‌ای از وفاداری‌های سیاسی شکل گرفته است. هویت، ملیت، حقوق بشر، دموکراتیزه کردن و... اموری است که اهمیتی بیش از پیش یافته و سبب دگرگونی در وظایف دولت‌ها شده است. به موازات این دگرگونی‌ها در ابعاد عملی و نظری فضای سیاسی تازه‌ای پدید آمده است که همراه با تحدید حاکمیت دولت‌ها، انواع بازیگران پای در عرصه شکل‌دهی به مناسبات بین‌المللی گذاشته‌اند که هر یک نقش و قالبی را در این مسیر به عهده دارند. از نظر تاریخی بازیگران روابط بین‌الملل سه مرحله را پشت سر گذاشته‌اند:

**دوره اول بازیگری؛** از پیدایش دولت تا انقلاب‌های ملی که دولت‌ها بازیگر اصلی عرصه بین‌الملل بودند.

**دوره دوم؛** از فردای انقلاب‌های ملی (قرن ۱۹) به بعد که شاهد شکسته شدن بازی انحصاری دولت‌ها در روابط بین‌الملل بودیم و به تدریج بازیگران جدیدی در کنار دولت‌ها بر روی تعاملات جهانی تأثیر می‌گذارند. در این دوره بازیگرانی مثل شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های بین‌المللی، شخصیت‌های برجسته و نظایر آن وارد عرصه تأثیرگذاری در روابط بین‌الملل شدند. **دوره سوم؛** از فردای جنگ جهانی دوم و متعاقب انقلاب صنعتی سوم یا انقلاب ارتباطات، شاهد تعدد و تکثر بازیگران روابط بین‌الملل هستیم. در این دوره بازیگری گسترش یافته و علاوه بر بازیگران مادی یا عنصری، فرآیندها و پدیده‌های مختلف نیز توانسته‌اند به عنوان بازیگر مطرح شوند.

پیدایش بازیگران تازه سبب شده تا در کنار پذیرش دولت - ملت‌ها، سایر بازیگران نیز بیش از پیش مطرح شوند. در این میان دولت تنها یکی از بازیگران است و در کنار آن، بازیگران فراملی و فراملی سر برآورده‌اند (اسمیت و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷۰). این موضوع باعث اهمیت یافتن قدرت نرم بر قدرت سخت شده و دنیای بین‌الملل را اسیر تغییر کرده است. این تغییرات با پیشرفت‌های تکنولوژیکی، گسترش ارتباطات و جهانی شدن اقتصاد نشان داد که ساختار دولت ملی امروزه نمی‌تواند به تنهایی به وظایف و کارکردهای خود عمل کند. بدین سان کم‌رنگ شدن نقش دولت‌ها و فرسایش بیشتر حاکمیت دولت و افزایش نقش نهادها و بنگاه‌های غیردولتی، موجب نقش‌آفرینی سایر بازیگران در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و

اقتصادی شده است (دهشیری، ۱۳۹۲: ۴۲).

به موازات این دگرگونی‌ها در ابعاد عملی و نظری فضای سیاسی تازه‌ای پدید آمده است که همراه با تحدید حاکمیت دولت‌ها، انواع بازیگران پای در عرصه شکل‌دهی به مناسبات بین‌المللی گذاشته‌اند که هر یک نقش و قالبی را در این مسیر عهده دارند.

با ظهور بازیگران جدید در عرصه نظام بین‌الملل، روابط نیز تغییر کرده و مناسبات تازه‌ای را در پی داشته است. بازیگران فروملی در عرصه سیاست، ورود یافته و ترجیح داده‌اند مسیرها و روش‌هایی را در سیاست خارجی برای تأثیرگذاری بر روابط بین‌الملل به کار گیرند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دارای انواع کنشگران و بازیگران حقیقی و حقوقی است که به صورت رسمی و غیررسمی و به طرق گوناگون در روند تصمیم‌گیری و چگونگی رفتار سیاست خارجی آن تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی هستیم که، بازیگران فروملی داخلی چگونه بر سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارند؟

ضمن شناسایی و بررسی ویژگی‌ها و مشخصه‌های بازیگران فروملی، به نظر می‌رسد تأثیرگذاری آنها بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همسو یا غیر همسو با سیاست‌های دولت از طرق مشارکت در دیپلماسی عمومی کشور، ترویج فرهنگ ایرانی‌اسلامی، اقدامات انسان‌دوستانه و حمایت‌گرانه، هنجارسازی، انعقاد توافقات و مبادلات فنی تجاری انجام می‌شود.

### مفهوم کنشگر / بازیگر روابط بین‌الملل

مقصود از بازیگر روابط بین‌الملل یا کنشگر بین‌المللی، موجودیت‌هایی هستند که ضمن برخورداری از منابع قدرت، با تأثیرگذاری بر فرایندها، رویه‌ها و نظام‌های انگاره‌ای؛ در عرصه فراملی (فراسرزمینی) ایفای نقش می‌کنند. روابط بین‌الملل معلول و محصول بر همه کنش‌ها و تعاملات میان موجودیت‌هایی است که بازیگران این عرصه نامیده می‌شوند و روابط بین‌الملل را می‌سازند. این نقش، متضمن برخورداری از توان و اراده لازم برای مشارکت در امور جهانی، تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی بر رفتارها و کنش‌های دیگر بازیگران، دستور کارها و رخدادهای فراملی، جریان امور و نتایج بین‌المللی و حل و فصل بحران‌های فراملی است. بازیگر / کنشگر، هر موجودیت یا واحد سازمان یافته‌ای خواهد بود که با تأثیر بر هویت و منافع افراد یا دیگر بازیگران یا

جلب وفاداری یا همراهی ایشان، نقش و تأثیری مشخص در روابط بین‌الملل ایفا کند. بنابراین آنان موجودیت‌هایی هستند که از توان هرگونه نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری آگاهانه و هدفمند در هر یک از ابعاد و سطوح مختلف موضوعات بین‌المللی برخوردار باشند (Smith & et al, 2016: 13).

در زمینه مفهوم بازیگر / کنشگر بین‌المللی که از مضامین مهم و برجسته روابط بین‌الملل است، نظریه‌های روابط بین‌الملل با یکدیگر اختلاف نظر دارند. رهیافت‌های واقع‌گرا، با تأکید بر اصالت و محوریت بازیگران دولتی بازیگر اصلی را دولت می‌داند؛ رهیافت‌های کثرت‌گرا (لیبرال) یا چند محور با تأکید بر تکثر بازیگران بر هر دو نوع دولتی و غیردولتی بازیگران تأکید دارند و در رهیافت ساختارگرایان (جهان‌گرایان) با تمرکز بر طبقات، دولت‌ها، جوامع و بازیگران غیردولتی را به عنوان اجزای نظام سرمایه‌داری و کنشگران مطرح بین‌المللی معرفی می‌کنند (تمنا، ۱۳۸۹: ۱۲۴؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۵۴).

### مفهوم بازیگر فروملی

امروزه برقراری روابط دیپلماتیک، قطع روابط سیاسی، انعقاد قراردادها، عضویت در مجامع بین‌المللی و نظایر آنها توسط دولت‌ها انجام می‌شود و فرض بر این است که دولت‌ها به نمایندگی از سوی ملت‌ها دست به این اقدامات می‌زنند؛ علاوه بر بازیگران رسمی حکومت‌ها (دولت‌ها)، ده‌ها سازمان، انجمن، اتحادیه و شرکت‌های گوناگون وجود دارد که بدون توجه به سیاست‌های حکومتی با گروه‌های ملی سایر واحدهای سیاسی رابطه دارند. در واقع امروزه دیگر دولت ملی تنها سطح موجود حکومت نیست و در سطح پایین‌تر گروه‌هایی با تمایلات و خواسته‌های مختلف حضور دارند که در سطح ملی تمایلات و خواسته‌های این گروه‌ها می‌تواند تحت‌الشعاع خواست اکثریت قرار گیرد و محدود شود. سطح محلی نیز پس از سطح ملی قرار دارد که شامل حکومت‌های محلی می‌شود و این سطح نیز نمی‌تواند پاسخگوی خواسته‌های همه گروه‌های موجود در جامعه باشد و همانند سطح ملی محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. بین این دو سطح، سطح دیگری از حکمرانی قرار می‌گیرد که با عنوان فروملی شناخته می‌شود. بازیگران فروملی در عرصه سیاست ورود یافته و ترجیح داده‌اند مسیرها و روش‌هایی را در سیاست خارجی برای تأثیرگذاری بر روابط بین‌الملل به کار گیرند. این بازیگران از وقایع بین‌المللی متأثر می‌شوند که این تأثیرها می‌تواند متفاوت از یکدیگر یا از دولت متبوع باشد. این بازیگران با

هدف ارتقا منافع خود در روابط بین‌الملل به اقدامات مختلفی مبادرت می‌ورزند که می‌تواند هم در حمایت و تکمیل دیپلماسی دولت مرکزی اتخاذ شود و هم در منازعه و رقابت با آن قرار گیرد.

این بازیگران داخلی در برگیرنده بازیگران و نهادهای رسمی و غیر رسمی متعددی می‌شوند که خواستار برخورداری از سهمی عمده در تماس‌های فرامرزی و متأثر از سیاست خارجی کشورها هستند. همچنین بازیگران فراملی می‌توانند عنصری یا پدیده‌ای نیز باشند و صرفاً مادی نیستند. اما در هر حال این شکل از کنشگران ترکیبی از ۲ عنصر متضاد است: از یکسو بر شبکه ارتباطات فراملی سوارند و از سوی دیگر حوزه عمل و اقدام آنها سرزمینی است (سجادپور، ۱۳۹۱: ۸۲).

### ویژگی‌های بازیگران فراملی

از بررسی آثار نویسندگان روابط بین‌الملل، ویژگی‌های زیر به عنوان ویژگی‌های بازیگران فراملی شناخته می‌شود که عبارتند از:

۱. ماهیت فراسرزمینی فعالیت‌ها (ارتباطات فراملی): دامنه فعالیت‌ها و اقدامات این بازیگران در موضوعات مختلف، بیش از یک کشور را شامل می‌شود.
۲. تأثیرگذاری بر دیگران بازیگران بین‌المللی: دارای قابلیت تأثیرگذاری در حوزه امنیت و ساختار منافع حیاتی دیگر بازیگران بین‌المللی اعم از دولتی یا غیردولتی هستند.
۳. برخورداری از منابع و مولفه‌های قدرت: کنشگری و تأثیرگذاری فراسرزمینی، مستلزم بهره‌گیری از قدرت کافی برای اعمال تأثیرات است.
۴. برخورداری از ابزار مناسب برای تأثیرگذاری: تأثیرگذاری در موضوعات مختلف، علاوه بر قدرت، نیازمند استفاده از ابزار متناسب با موضوع است.
۵. تأثیرات سیاسی: تأثیر بر فرایندها، رویه‌ها، دستور کارها، نتایج و پیامدهای سیاسی حداقل یکی از بازیگران بین‌المللی، اعم از دولتی یا غیردولتی، این امر مستلزم ماهیت سیاسی این بازیگران نیست بلکه صرف سیاسی بودن ماهیت آثارشان، نقش سیاسی به آن‌ها می‌دهد.
۶. قابلیت بسیج عمومی: این توانایی با تأثیر بر افکار عمومی و جلب وفاداری‌های داوطلبانه افراد یا جوامع انسانی یا نخبگان جهانی حاصل می‌شود. جلب وفاداری‌های هویتی، ملی، مذهبی و ... ابزاری است که بسیج عمومی را ممکن می‌کند. گفتمان‌سازی و تأثیر بر هنجارها و ارزش‌ها

از مقومات این قابلیت محسوب می‌شوند.

۷. ترکیب فراملی و فراملی: به معنای تأثیرات فراملی کنش‌های ملی این بازیگران از یک سو و داشتن تأثیر بر دولت‌های ملی و روابط بین‌الملل.

۸. حوزه استقرار سرزمینی: برخلاف فعالیت فراسرزمینی در قلمرو یک سرزمین مشخص مستقر هستند (Tavares, 2016: 140).

کنشگران فراملی موجودیت‌هایی هستند که ضمن برخورداری از منابع قدرت، با تأثیرگذاری بر فرایندها، رویه‌ها و نظام‌های انگاره‌ای؛ در عرصه فراملی (فراسرزمینی) ایفای نقش می‌کنند. آن‌ها دولت‌ها، دیگر بازیگران غیردولتی، دستور کار یا نتایج بین‌المللی را نیز متأثر می‌سازند و این تأثیرگذاری می‌تواند به صورت مستقیم یا با واسطه باشد.

### نحوه مشارکت بازیگران فراملی در سیاست خارجی

بازیگران فراملی، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و مستقل یا وابسته، در حوزه بین‌المللی فعال هستند. بازیگران فراملی هنگام مشارکت در سیاست جهانی، استراتژی‌های کاملاً متفاوتی را از یکدیگر اتخاذ می‌کنند. در این رابطه می‌توان چهار استراتژی را تشخیص داد: دیپلماسی انکار، دیپلماسی حاشیه‌ای، دیپلماسی موازی و دیپلماسی ناآگاهانه.

«دیپلماسی انکار» را می‌توان استراتژی غیردولتی دانست که به وضوح دیپلماسی را به عنوان شیوه‌ای مشروع از اقدام بین‌المللی رد می‌کند. این استراتژی بسیار بی‌ثبات‌ساز بوده، موجب ابهام شدید می‌شود و به دنبال افزایش جدایی بین بازیگران سیاسی دولتی و غیردولتی است. شبکه‌های تروریستی، جنگ‌سالاران، شبه‌نظامیان و ارتش‌های خصوصی دنباله‌روی این استراتژی هستند. بازیگران خشونت‌آفرین منکر دیپلماسی شده و با اقدامات دولتی، نظیر اقدامات ضد تروریستی مخالفت کرده و از آن‌ها به‌عنوان بهانه‌ای برای مبارزه و بسیج حامیان رادیکال خود استفاده می‌کنند.

«دیپلماسی حاشیه‌ای» استراتژی مورد توجه بازیگران فراملی در حوزه بین‌الملل برای کسب منافع فراملی بدون تلاش برای دستیابی به اهداف دیپلماتیک است. به مدیریت انواع متفاوتی از روابط مجزا می‌پردازند. بازیگران مذهبی، قومی و هویت‌ساز به این دسته تعلق دارند. برای مثال، مذاهب فراتر از مرزهای دولتی عمل کرده و رهبران مذهبی غالباً اقتدار بیشتری از دولت‌مردان

بر پیروان خود دارند. بازیگران غیردولتی نقش فراملی فعالی را به نمایش می‌گذارند که می‌تواند دیپلماسی دولتی را تضعیف کند (Nathan, 2001: 20).

بازیگران فراملی از طرفداران «دیپلماسی موازی» به‌عنوان جایگزینی برای دیپلماسی دولتی هستند. آن‌ها می‌توانند دیپلماسی عمومی مستقلی را رواج دهند که پیوندهای تازه‌ای را ایجاد کرده و اقدام بین‌المللی دولت‌ها را کمرنگ سازد.

مسیر چهارم برای مشارکت بازیگران فراملی در سیاست جهانی از طریق «دیپلماسی غیرآگاهانه» است. بسیاری از بازیگران فراملی بدون اینکه لزوماً از آن آگاهی داشته باشند، در حال اجرای وظایف دیپلماتیک پنهان هستند. رسانه‌ها نمونه‌ای از این موضوع بوده و به‌عنوان بازیگران فراملی، با پر کردن شکاف‌های ارتباطاتی در صحنه بین‌الملل، کمکی در کاهش جدایی هستند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۴۱۰).

### بازیگران فراملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در عصر وابستگی متقابل امروزی، با توجه به تفویض برخی اختیارات دولتی به نهادهای مختلف، نقش مشارکتی بازیگران غیردولتی در تصمیم‌گیری‌های داخلی و خارجی افزایش یافته است و نهادهای فراملی و فراملی در کنار دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی به ایفای نقش می‌پردازند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دارای انواع کنشگران و بازیگران حقیقی و حقوقی است که به صورت رسمی و غیر رسمی و به طرق گوناگون در روند تصمیم‌گیری و چگونگی رفتار سیاست خارجی آن تأثیر می‌گذارند. بازیگران فراملی با دارا بودن ارتباطات فراملی، حوزه عمل و اقدام سرزمینی و برخورداری از قدرت نفوذ، در ساختارهای رسمی و غیررسمی سیاست خارجی نقش آفرینی می‌کنند.

بازیگران فراملی داخلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برگیرنده کنشگران حقیقی یا حقوقی در وجوه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و انسان دوستانه هستند. این بازیگران ظرفیت بالایی نقش آفرینی در سیاست خارجی را دارند و برای ارتقاء منافع خود در روابط بین‌الملل و برخورداری از سهمی عمده در ارتباطات فرامرزی به اقدامات مختلف دست می‌زنند. در خصوص بازیگران فراملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تعدادی از مهمترین



نهادهایی که در جایگاه بازیگر فروملی قرار دارند و نقش آفرینی آنها همسو یا غیر همسو با سیاست‌های دولت است و بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از طرق مختلف تأثیر می‌گذارند، شامل موارد ذیل هستند:

- نهادهای دخیل در دیپلماسی عمومی کشور (مثل سمن‌ها، رسانه‌ها، شخصیت‌های حقیقی، ایرانیان خارج از کشور)
  - روحانیون و مراجع تقلید؛
  - کمیته امداد امام خمینی (ره)؛
  - مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی؛
  - شهرداری‌ها؛
  - اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران.
- این بازیگران فروملی به طرق مختلف بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اثر گذارند که در ادامه به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

### نحوه اثرگذاری بازیگران فروملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

#### ۱. مشارکت در دیپلماسی عمومی

دیپلماسی به طور عام و دیپلماسی عمومی به طور خاص دارای ساختار، فرآیند و دستور کاری است که با توجه به اهداف، منافع و راهبردهای کشور و در تعامل با یکدیگر شکل گرفته و متحول شده و پیش می‌رود. در جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی عمومی به صورت صریح در دستور کار دیپلماسی کشور نیست ولی در همین حال دولت نسبت به برداشت مردمان کشورهای دیگر از ایران بی‌توجه نیست و آن را در رفتار دولت‌های خارجی مؤثر می‌داند. جمهوری اسلامی ایران با استفاده از شیوه‌های مختلف در پی تقویت نگاه مثبت مردم جهان نسبت به ایران است و می‌کوشد چهره مثبتی از جمهوری اسلامی ایران در جهان ارائه دهد و برای این کار ساختارها و سازمان‌هایی را به وجود آورده است که کم و بیش می‌کوشند کار دیپلماسی عمومی را انجام دهند و یا می‌توانند در این حوزه فعال باشند.

به موازات اهمیت یافتن افکار عمومی در زمینه دیپلماسی عمومی در جمهوری اسلامی ایران در پی ایجاد ساختارها و سازمان‌هایی جهت اثرگذاری بر آنها هستند. در میان ساختارها و

سازمان‌های مربوط به جمهوری اسلامی ایران رسانه‌ها، شخصیت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، شرکت‌های متعدد متعلق به ایرانیان در داخل و خارج از کشور، دانشگاه‌ها و مراکز علمی به‌عنوان ساختارهای اصلی در این حوزه مطرح هستند (سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

این نوع دیپلماسی مستلزم ارتباط گسترده با گروه‌های مرجع، رهبران احزاب سیاسی، گروه‌های ذینفع و ذی نفوذ، نخبگان سیاسی، فرهنگی، علمی و رسانه‌ای به‌عنوان سازندگان افکار عمومی و کلیه شهروندان جهت شکل‌دهی به افکار عمومی و هماهنگ‌سازی افکار آنان با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی است. همچنین اعمال و اجرای موفقیت‌آمیز دیپلماسی عمومی مستلزم استفاده بهینه از فناوری و ابزارهای نوین اطلاعاتی و ارتباطی در چارچوب دیپلماسی مجازی است. زیرا اساس و بنیاد دیپلماسی جمهوری اسلامی، به کارگیری قدرت نرم برای مدیریت افکار عمومی در سایر کشورها است. از این‌رو، دیپلماسی عمومی یکی از عناصر کلیدی سیاست خارجی به‌شمار می‌آید (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۷: ۲۱۸-۲۱۷).

## ۲. ترویج فرهنگ ایرانی - اسلامی

در طی چند قرن اخیر جایگاه مذهب در جامعه دچار تحولات بسیاری شده است. هرچند نقش مذهب در جامعه غربی در مقایسه با قرون گذشته رو به کاهش است، ولی در کشورهای دیگر سنت‌های مذهبی همچنان نیرومند و پایدار مانده است. رابطه میان روحانیون مذهبی و سیاست و حکومت در سطوح و درجات مختلف و متنوع قابل تصور است.

گروه‌های اجتماعی دیگری غیر از روحانیون ممکن است وقتی در مسند قدرت قرار می‌گیرند، احکام دینی را اجرا کنند اما نهاد رسمی و سنتی روحانیت همواره متولی اصلی اجرای آن بوده است. بر خلاف برخی ادیان مثل مسیحیت که روحانیون با طبقه حاکم پیوند یافته بودند، روحانیت تشیع همواره با طبقات مردم ارتباط داشته و بر شئون مختلف زندگی آن‌ها مثل حل و فصل دعاوی، ازدواج و طلاق و ... اثر گذار بوده اند.

به‌طور کلی مشارکت و اثرگذاری روحانیون در سیاست به عوامل چندی بستگی دارد:

(۱) هر چه داعیه‌های سیاسی و اجتماعی مذهب بیشتر باشد، احتمال اثرگذاری روحانیون در زندگی سیاسی بیشتر می‌شود. بی‌تردید همه مذاهب نسبت به تنظیم امور اجتماعی و سیاسی کم و بیش ادعاهایی داشته‌اند زیرا هر مذهبی قطع نظر از وظیفه تأمین وسایل رستگاری برای مومنان

می‌بایست به تنظیم حوزه زندگی مادی آنها نیز پردازد. با این حال برخی مذاهب بیش از مذاهب دیگر داعیه امور دنیوی و سیاسی داشته‌اند.

۲) هر چه روحانیون یک مذهب، به عنوان یک نیروی سیاسی از نظر تاریخی، موقعیت ممتاز و قوت بیشتری داشته باشند، احتمال حضور آن‌ها در سیاست افزایش می‌یابد.

۳) هر چه امکان تعبیر و تفسیرپذیری مذهب و تطبیق آن با شرایط متحول تاریخی بیشتر باشد، توانایی روحانیون برای مشارکت در سیاست افزایش می‌یابد.

۴) هر چه نهادهای مذهبی سازمان یافته‌تر و منسجم‌تر باشند، توانایی تأثیرگذاری روحانیت بر سیاست بیشتر می‌شود.

در واقع روحانیون اغلب همواره به عنوان یک گروه ذی‌نفوذ عمده در نظام‌های سنتی همانند نظام سیاسی ایران عمل کرده‌اند. میان حکام و روحانیون در همه نظام‌های سنتی کم و بیش توافق و سازش وجود داشته است. حکام سنتی می‌بایست به مذهب و سنن احترام بگذارند، زیرا در غیر این صورت با اعتراض پاسداران سنت و مذهب به ویژه روحانیون مواجه می‌شدند.

بی‌تردید مهم‌ترین ویژگی طبقاتی جامعه ایران که عاملی تعیین‌کننده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است، نقش و جایگاه اجتماعی ممتاز طبقه روحانیون است. در اثر حضور مستقیم روحانیت در رأس ساختار و قدرت سیاسی بر اساس خواست مردم پس از پیروزی انقلاب اسلامی و متعاقب آن به استناد مفاد قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸، ماهیت سیاست در ایران دینی و مذهبی شده است. تجلی عینی این واقعیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایدئولوژیک شدن آن و ارجحیت یافتن اهداف ایدئولوژیک در کنار منافع ملی است. فراتر از این، شبکه اجتماعی قدرتمند روحانیت در جامعه، به علت اعتماد و اعتقاد توده مردم به آن، توانایی بسیج نیروهای اجتماعی در جهت پیگیری این اهداف و منافع در سیاست خارجی را میسر می‌کند. برای مثال، نهادهایی چون حوزه‌های علمیه، ائمه جمعه و جماعات نقشی تعیین‌کننده در جهت‌گیری و رفتار سیاست خارجی ایران ایفا می‌کنند. تشکل‌های مذهبی و روحانی همانند حوزه‌های علمیه، ائمه جمعه و جماعات، مساجد و هیأت‌های مذهبی در جهت‌گیری و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی در مسائل جهان اسلام نقش برجسته و مؤثری دارند (نقیب زاده، ۱۳۸۱: ۷۵).

اما مرجعیت را بدون تردید باید از مهم‌ترین نهادهای روحانیت قلمداد کرد که به دلیل کارکرد بسیار مهمی که در شرع مقدس برای آن در نظر گرفته شده، ظرفیت فوق‌العاده‌ای جهت

اعمال نفوذ بر افکار عمومی، تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی‌شان و تعیین دستور کار برای آنان دارد؛ لذا از آنجایی که دامنه نفوذ مرجعیت هرگز محدود به مرزهای جغرافیایی نیست و حتی مسلمانان ساکن در کشورهای خارجی را نیز دربر می‌گیرد، می‌توان این نهاد را یک منبع مولد قدرت به حساب آورد.

کار ویژه بسیار حائز اهمیت نهاد مرجعیت، مراجع تقلید را در جایگاه رفیعی در جوامع مسلمان قرار می‌دهد و مردم را به پیروی از آنان وامی‌دارد. به پشتوانه این جایگاه است که مراجع علاوه بر توانایی تعیین احکام دینی، ظرفیت بالقوه چشمگیری برای اعمال نفوذ در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی دارند. نهاد مرجعیت مقبولیت و رواج یافته و به جزئی از فرهنگ اجتماعی و مذهبی مردم تبدیل شده است که همین مسئله، مشروعیت عملکرد و رهبری سیاسی و اجتماعی مراجع را تأمین می‌کند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا بدون در اختیار داشتن منابع سخت‌افزاری قدرت بر روند تحولات جامعه تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشند (نقیب زاده، ۱۳۸۱: ۹۰). رویکردهای مبارزه با استکبار نظیر مبارزه با کاپیتولاسیون و صدور حکم تاریخی امام خمینی در خصوص سلمان رشدی را می‌توان نمونه‌های مشخصی از این موضوع دانست.

### اقدامات بشر دوستانه و رفتارهای حمایت‌گرایانه

اتخاذ سیاست خارجی اخلاق‌مدار می‌تواند مولد قدرت نرم برای یک کشور باشد. به عبارت دیگر اقدامات اخلاقی، بشر دوستانه و غیرمنفعت‌محور یک کشور در تعامل با جوامع خارجی موجب شکل گرفتن تصویری مطلوب از آن در اذهان مردمان این جوامع خواهد شد و بستر مناسبی را به منظور اعمال نفوذ مؤثر بر آنان فراهم می‌سازد.

رفتارهای حمایت‌گرانه یکی از مصادیق فراملی‌گرایی است و به مجموعه راهبردها، برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی گفته می‌شود که در جهت رفع محرومیت و ایجاد توانمندسازی در افراد انسانی صورت می‌گیرد.

رفتارهای حمایت‌گرانه یکی از مصادیق فراملی‌گرایی است. لذا بر حسب تعریف فراملی‌گرایی که لازم است حداقل یکی از طرفین غیردولتی باشد؛ شامل طیف وسیعی از اقدامات دولت‌ها، سازمان‌ها تا شخصیت‌ها و نهادهای مردمی (غیردولتی) بین‌المللی می‌شود و از تخصیص هر گونه کمک و یا رفتار حمایتی با شیوه‌های متعدد نظیر کمک‌های مالی مستقیم بلاعوض تا کمک‌های

معنوی را در برمی‌گیرد. باید توجه داشت که تبعات محرومیت جوامع در سطوح ملی و بین‌المللی محدود به مرزهای جغرافیای دولت و ملت‌ها نمی‌شود و به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر سرنوشت عموم بازیگران صحنه بین‌الملل جامعه انسانی اثرگذار است. در نتیجه رفتارهای حمایت‌گرایانه در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تابعی از ساختار محرومیت در هر منطقه و نظام بین‌الملل است. به طوری که در سطح بین‌المللی رفتار حمایت‌گرایانه به منظور پاسخ‌گویی به دغدغه عمومی بشر برای یاری‌رسانی به هم‌نوعان و نیز کنترل و کاهش عوارض ناشی از بحران فقر در سایر جوامع و پیشگیری از تسری و فزاینده‌گی دامنه تبعات محرومیت تلقی می‌شود (سرخیل، ۱۳۹۶: ۵۷).

با عنایت به ملاحظات فوق رفتارهای حمایت‌گرانه از منظر تعاملات غیررسمی از قابلیت تبیین و پردازش در حوزه ارتباطات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. این ارتباطات در عرصه روابط بین‌الملل که بر حسب مبانی دینی و اندیشه اسلامی شکل گرفته و در قالب یکی از اصطلاحات کاربردی در ادبیات تعاملات برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران و از وجوه اثرگذاری بازیگران فروملی محسوب شده، بیانگر شیوه‌ها و راهکارهایی برای گستراندن شبکه ارتباطات حمایتی و عواطف انسانی ایران در نقاط مختلف جهان است که ضمن ارائه رفتارهای حمایت‌گرانه موجب تثبیت و ارتقاء وجهه بشر دوستانه جمهوری اسلامی ایران در افکار عمومی کشورهای هدف می‌شود.

اعتمادسازی نزد افکار عمومی و نخبگان (نظیر متفکرین حوزه اجتماعی، خیرین، مسئولین، اصحاب رسانه) در مناطق هدف و توجه ویژه به اقشار اثرگذار از طریق ساماندهی و بهره‌گیری از حضور و مشارکت نیکوکارانه مردم در جهت حمایت از محرومان، بر اساس عنصر اعتماد متقابل و توسعه فرهنگ احسان و نیکوکاری صورت می‌پذیرد؛ جامع‌نگری به معنای توجه همزمان به نیازهای مادی و معنوی محرومان؛ تنوع در سامان‌دهی و ارائه خدمات حمایتی و توانمندسازی متناسب با نیازهای متنوع محرومان در زمینه آموزش، بهداشت، اشتغال فراگیری در ارائه خدمات حمایتی به محرومان بدون در نظر گرفتن مرزبندی‌های نژادی، مذهبی، جنسیتی، قومی، سیاسی از مهم‌ترین مولفه‌های اقدامات بشر دوستانه بازیگران فروملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

برخی بازیگران فروملی مثل کمیته امداد امام خمینی همواره اقدامات «بشر دوستانه» و «اخلاق

مدار» را جزء اولویت‌های خود قرار داده و گاهی اوقات حتی این اقدامات را با پرداخت مبالغ گزافی دنبال کرده‌اند. یعنی کمک‌های خارجی نه تنها منفعت مادی به همراه نداشته بلکه کشور را متحمل هزینه‌های سنگینی کرده است؛ برای مثال می‌توان از اعطای مساعدت‌های بلاعوض مالی به برخی از کشورهای فقیر منطقه و جهان اسلام و یا میزبانی از حدود دو میلیون آواره افغانی و عراقی طی دو دهه به‌عنوان مصادیق فعالیت‌های بشردوستانه‌ی سیاست خارجی نام برد (هرسیج و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۵۱؛ ۱۳۹۱: ۸۸).

البته تجربه گواه آن است که اقدامات بشردوستانه برخلاف هزینه بر بودن موجب افزایش قدرت نرم کشور و ارتقاء ضریب نفوذ آن در جوامع هدف شده است؛ ایران برای کمک به توسعه شهرهای شیعه‌نشین عراق که نزدیک به شصت درصد جمعیت عراق را شامل می‌شود، پروژه‌های زیربنایی نظیر مدرسه و بیمارستان را به انجام رسانده است. این تلاش‌ها بخشی از راهبرد ایران برای کسب حمایت مردم جنوب عراق و کمک به توسعه این مناطق محسوب می‌شود (عطایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۰).

بنابراین سیاست خارجی بشردوستانه جمهوری اسلامی ایران را که در قالب اقداماتی چون سرمایه‌گذاری غیر منفعت محور در بازسازی کشورهایمانند عراق و لبنان با اعطای کمک‌های بلاعوض به سیل‌زدگان پاکستانی با قطعی‌زدگان سومالیایی با عاملیت نهادهایی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) انجام می‌گیرد، باید به‌عنوان یکی دیگر از محورهای تأثیرگذاری بازیگران فراملی داخلی، بر سیاست خارجی کشور تلقی شود.

## هنجارسازی

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی یک نهاد غیردولتی و غیرانتفاعی است که در سال ۱۳۶۹ با سه کار ویژه علمی، فرهنگی و ارتباطات داخلی و بین‌المللی برای نزدیک کردن پیروان مذاهب مختلف اسلامی به یکدیگر پایه‌گذاری شد. به استناد مندرجات متن استراتژی مجمع جهانی تقریب، رسالت اصلی این مجمع عبارت است از: «ارتقاء سطح آشنایی و آگاهی و تعمیق تفاهم بین پیروان مذاهب اسلامی و تقویت احترام متقابل و تحکیم رشته‌های اخوت در بین مسلمانان بدون هیچ‌گونه تمایزی از لحاظ تعلقات فرقه‌ای، قومی یا ملی آنان به‌منظور رسیدن به امت واحده‌ی اسلامی» (مجمع جهانی تقریب، ۱۳۸۸: ۲۰). در راستای تحقق این رسالت، مجمع

جهانی تقریب مجموعه‌ای متشکل از ده‌ها تن از علمای مذاهب اسلامی در کشورهای مختلف جهان است که به عنوان یکی از مراکز مهم مُنادی وحدت در جهان اسلام شناخته شده و زمینه‌ساز تعامل میان پیروان مذاهب اسلامی است.

مجمع عمومی و شورای عالی دو رکن اصلی مجمع جهانی تقریب هستند که عده‌ای از علما، متفکران و نخبگان مذاهب اسلامی از سرتاسر جهان در آن‌ها عضویت دارند، اما اقدامات اجرایی مجمع که مصادیق آشکاری از فعالیت‌های دیپلماسی عمومی به شمار می‌آید، توسط معاونت بین‌الملل و معاونت فرهنگی آن صورت می‌پذیرد. معاونت بین‌الملل عهده‌دار شناسایی افراد، تشکل‌ها و نهادهای غیردولتی همسو با اهداف مجمع در جهان اسلام و برقراری ارتباط و تأثیرگذاری بر آنان است که این مهم را از طریق اجرای برنامه‌های ذیل انجام می‌دهد:

ل برگزاری سالیانه کنفرانس‌های بین‌المللی وحدت اسلامی در ایام هفته‌ی وحدت؛

ل برگزاری مستقل و مشترک همایش‌های تقریبی در خارج از کشور؛

ل اعزام هیئت‌های کارشناسی به مناطق مختلف جهان؛

ل همکاری با علما و اندیشمندان اسلامی در زمینه‌ی تأسیس مراکز تقریبی در جهان؛

ل اعزام هیئت به کنفرانس‌های جهانی؛

ل میزبانی هیئت‌های بازدیدکننده از سرتاسر جهان؛

ل همکاری با مراکز علمی و فرهنگی خارج از کشور از جمله سازمان عملی و فرهنگی

اسلامی (آیسیسکو) (مجمع جهانی تقریب، ۱۳۸۸: ۴۹-۷۸).

معاونت فرهنگی مجمع مسئولیت تولید محتوا برای مخاطبان خارجی و ترویج اندیشه تقریب مذاهب اسلامی را بر عهده دارد. پژوهش و چاپ و انتشار کتب و مجلات با موضوعات اسلامی و تقریبی به زبان عربی، شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب، ایجاد پایگاه اینترنتی و خبرگزاری بین‌المللی تقریب (TNA) به زبان‌های مختلف، همکاری‌های دانشگاهی نظیر برگزاری سمینارها و کارگاه‌ها و اعطای بورس تحصیلی و فرصت مطالعاتی به دانشجویان و نخبگان خارجی از جمله فعالیت‌های این معاونت است (مجمع جهانی تقریب، ۱۳۸۸: ۷۹-۱۳۰). لذا این نهاد به دنبال هنجارسازی در خصوص یکی از اصلی‌ترین محورهای مورد بحث در جهان اسلام؛ یعنی وحدت مسلمانان و تقریب مذاهب اسلامی، که با راهبردهای پیش‌گفته بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد.

## انعقاد توافقات

امروزه شهروندان ابزار و امکاناتی در اختیار دارند تا به وسیله آن ایده‌ها، نوآوری‌ها، دانش و راه‌حلی‌های محلی را بر یک پایه جهانی به مشارکت بگذارند. شهرهای جهان با فهرست طولیلی از تهدیدهای مشترک مواجه‌اند که نشان می‌دهد جوامع فقیر و ثروتمند باید به دنبال یافتن زمینه‌های مشترک برای دستیابی به راه‌حل‌های مشترک باشند. نقش بین‌المللی و جدید شهرها، یافتن همین زمینه‌های مشترک برای ساختن پلی میان شهرها و شهروندان و ایجاد همکاری، اتحاد، همبستگی و تفاهمی دو جانبه است. مسئولان محلی شهرها با توجه به قابلیت و استعدادشان به عنوان بازوان حاکمیت در جهت کاهش تصدی‌گری دولت، عهده‌دار ایفای این نقش هستند. همکاری شهرداری‌ها با هم و استفاده از تجربیات طرفین و بروز تبادلات فرهنگی، در راستای بهبود مدیریت شهری عمل خواهد کرد. همکاری و ارتباط مستقیم نهادهای شهری و استانی ایران با مقام‌های محلی سایر کشورها می‌تواند راهگشای تلاش‌های فراگیرتر در این حوزه باشد.

پیمان خواهرخواندگی؛ رابطه‌ای دوستانه و هدفمند است که در این راستا و به منظور تبادل اطلاعات، تجارب و توسعه مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، شهری، فنی و سیاسی میان یک جامعه شهری مشابه خارجی برقرار می‌شود. خواهرخواندگی، پیمان همکاری بلندمدت و رسمی دو شهر است که بین شهرداران دو شهر برای ایجاد همبستگی و اتحاد بیشتر انسانی و فرهنگی منعقد می‌شود (جمالی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۸۷).

اهداف خواهرخواندگی، را می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

- تکیه بر مشارکت آگاهانه شهروندان و به ویژه تشکل‌های غیردولتی و داوطلب؛
- ایجاد فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاران داخلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی در راستای پایداری و شکوفایی شهر؛
- بسط و گسترش رابطه میان بازارهای جدید و خطوط تولیدی و تقلیل هزینه‌های تحقیق و جستجو در معاملات تجاری؛
- ایجاد فرصت‌های گردشگری و تعاملات خلاق فرهنگی در راستای معرفی همه جانبه شهر در عرصه بین‌المللی؛
- ایجاد تعاملات فرهنگی، ورزشی، هنری، ادبی، تجاری و اجرای رویدادهای مشترک در



راستای شناخت هر چه بهتر طرفین؛

• تبادل هیأت‌های رسمی؛

در واقع دیپلماسی شهری موجب هم‌افزایی و هم‌تکمیلی کارکردهای حکومت‌های محلی و مرکزی در چارچوب تمرکززدایی، در عین هماهنگی و همکاری متقابل براساس توزیع قانونی مسئولیت‌ها شده است. بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی شهری در عرصه‌هایی چون گردشگری، آموزش و تربیت شهروندی، حل و فصل مشکلات شهری و نیازهای شهروندان، جذب سرمایه‌های خارجی، گسترش تجارت خارجی، انتقال فناوری‌های نوین، صدور خدمات و بازاریابی بین‌المللی بیانگر آن است که دیپلماسی شهری در صورتی قرین موفقیت است که بتواند بین سطوح فروملی، ملی و فراملی نوعی پیوند در عین توازن برقرار سازد (جمالی نژاد، ۱۳۹۵: ۲۱۷).

در کشور ما نیز در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای برقراری ارتباط و تبادل تجربیات در حوزه‌های شهری میان برخی شهرهای کشورمان و سایر شهرهای دیگر کشورها صورت گرفته است. هر چند این تعامل در سایه دیپلماسی شهری طرح شده است اما برای برون‌رفت از مشکلات کلانشهرها، لازم است تا سطح ارتباطات با شهرهای جهان نیز بیش از گذشته افزایش یابد. حضور و تبادل نظر هیأت‌های ایرانی و خارجی در خصوص روند توسعه شهرنشینی و حل مشکلات، خود می‌تواند در اکثر موارد از بحث آزمون و خطا کاسته و موجب ارائه راهکارهای منطقی برای حل مشکلات شود. چرا که از یک‌سو مشارکت فعالانه مدیریت شهری برای ارتقای منافع عمومی در عرصه‌های منطقه‌ای، یک ضرورت تعیین‌کننده بوده و از سوی دیگر مدیریت شهری به عنوان بازیگر فروملی موثر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند زمینه‌ساز مراودات حداکثری با سایر کشورها در سایه ایجاد ساختارهای منسجم اجتماعی، فرهنگی، تجاری و اقتصادی شود.

### مبادلات تجاری

با اهمیت یافتن بازیگران غیردولتی و به چالش کشیدن دولت‌های ملی از سوی بازیگران فراملی، فروملی و غیردولتی، ورودی‌های متنوعی وارد عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی می‌شوند که نماینده گروه‌بندی‌های مختلف در سطح محلی، ملی و بین‌المللی هستند. این

نیروهای مختلف ضمن همزیستی، اشکال گوناگونی از نفوذ دیپلماتیک را برای تحقق اهدافشان به کار می‌برند. یکی از مهمترین این عرصه‌ها اقتصاد و مبادلات تجاری و بازرگانی است. مقام‌های پارلمان بخش خصوصی کشور (اتاق بازرگانی) همواره به لزوم تمرکززدایی و اهمیت دادن به نقش ایشان تأکید داشته‌اند. لذا اتاق بازرگانی ضمن توسعه تعاملات تجاری با شرکای خارجی همواره نقش قابل توجهی در اثرگذاری بر سیاست خارجی داشته و دارد و نقش بسیار مهمی را در این مسیر ایفا می‌کند.

### نتیجه‌گیری

رفتار بازیگران بین‌المللی در عرصه جهانی به عنوان محیط عملیاتی بازی، از سوی مستلزم شناخت ماهیت، مبانی، نیت‌مندی‌ها و توانایی‌های بازیگران عرصه جهانی، مقدمه و زمینه شناسایی و تجزیه و تحلیل رفتارها و بازی‌های ایشان محسوب می‌شود و به همین دلیل، اهمیت می‌یابد. به عبارت دیگر شناخت بازی، مستلزم شناخت ابعاد مختلف بازیگران است و بدون درک بازیگران نمی‌توان تحلیل درستی از بازی آنان ارائه کرد.

یکی از ویژگی‌های قابل توجه نظام بین‌الملل دوران گذار، تنوع کنشگران و ظهور کنشگران جدید در زمینه‌ها و سطوح مختلف است. نظام بین‌الملل به ویژه در دهه‌های نخستین سده بیستم شاهد پیدایش و اشاعه کنشگران نوظهور بود. بازیگران فروملی در عرصه سیاست ورود یافته و ترجیح داده‌اند مسیرها و روش‌هایی را در سیاست خارجی برای تأثیرگذاری بر روابط بین‌الملل به کار گیرند. این بازیگران از وقایع بین‌المللی متأثر می‌شوند که این تأثیرها می‌تواند متفاوت از یکدیگر یا از دولت متبوع باشد. این بازیگران با هدف ارتقا منافع خود در روابط بین‌الملل به اقدامات مختلفی مبادرت می‌ورزند که می‌تواند هم در حمایت و تکمیل دیپلماسی دولت مرکزی اتخاذ شود و هم در منازعه و رقابت با آن قرار گیرد.

به‌طور کلی ویژگی‌های بازیگر فروملی را می‌توان به صورت زیر خلاصه و طبقه‌بندی کرد:

جدول شماره ۱ - ویژگی‌های بازیگران فروملی

ردیف	ویژگی‌های بازیگران فروملی
۱	دارا بودن ماهیت فرا سرزمینی فعالیت‌ها در حوزه‌های موضوعی مختلف
۲	قابلیت تأثیر بر دیگر بازیگران بین‌المللی اعم از دولتی یا غیردولتی
۳	داشتن «منابع و مؤلفه‌های قدرت»، به میزان لازم برای کنشگری و اثرگذاری
۴	برخورداری یا دسترسی از / به ابزار مناسب برای تأثیرگذاری (علاوه بر قدرت)
۵	تأثیرگذاری بر فرایندها، دستور کارها، همکاری‌ها، نتایج و پیامدهای سیاسی حداقل نسبت به یکی از بازیگران بین‌المللی (اعم از دولتی یا غیردولتی)
۶	تأثیرگذاری بر افکار عمومی و جلب وفاداری‌های داوطلبانه‌ی افراد جوامع انسانی و / یا نخبگان جهانی
۷	وجود هم‌زمان دو عنصر فراملی و فروملی در کنش‌ها و رفتارهای آنان
۸	حوزه استقرار سرزمینی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بازیگران فروملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر آن اثرگذار بوده‌اند که این موضوع در متن این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و فرضیه مورد بررسی به اثبات رسید. بر این اساس اثرگذاری بازیگران فروملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در شش محور مشارکت در دیپلماسی عمومی کشور، ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی، اقدامات انسان دوستانه و حمایت‌گرانه، هنجارسازی، انعقاد توافقات و مبادلات فنی و تجاری از سوی بازیگرانی چون سمن‌ها، رسانه‌ها، شخصیت‌های حقیقی، ایرانیان خارج از کشور، روحانیون و مراجع تقلید مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، شهرداری‌ها و اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران صورت می‌پذیرد که در جدول ذیل به اختصار بدانها اشاره شده است.

جدول شماره ۲ - نحوه اثرگذاری بازیگران فروملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	بازیگر فروملی	نحوه اثرگذاری بر روابط خارجی
۱	نهادهای دخیل در دیپلماسی عمومی کشور (سمن‌ها، رسانه‌ها، شخصیت‌ها، ایرانیان خارج از کشور)	مشارکت در دیپلماسی عمومی کشور
۲	روحانیون و مراجع تقلید	ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی
۳	کمیته امداد امام خمینی (ره)	اقدامات انسان‌دوستانه و حمایت‌گرانه
۴	مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی	هنجارسازی
۵	شهرداری‌ها	انعقاد توافقات
۶	اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی ایران	مبادلات فنی و تجاری

در نهایت آنچه را می‌توان از مطالب پیش گفته دریافت این نکته اساسی است که بازیگران فراملی ظرفیت بالای نقش آفرینی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را دارا بوده و برای ارتقاء منافع خود در روابط بین الملل و برخورداری از سهمی عمده در ارتباطات فرامرزی به اقدامات مختلف دست می‌زنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

### الف - فارسی

- اسمیت، استیو، هدفیلد، امیلیا، (۱۳۹۵)، *سیاست خارجی، نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی*، ج ۱، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، محسن محمودی و ایوب کریمی، تهران: انتشارات سمت.
- تمنا، فرامرزی، (۱۳۸۹)، *تحول مفهوم کنشگر و مسئله امنیت در روابط بین الملل*، در: *تحول مفاهیم در روابط بین الملل*، توسط حمیرا مشیرزاده و نبی الله ابراهیم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جمالی نژاد، مهدی، (۱۳۹۵)، *دیپلماسی شهری*، تهران: نشر آزما.
- دهشیری، محمدرضا، (۱۳۹۲)، «پارادایلماسی در عصر جهانی شدن: مطالعه موردی دیپلماسی شهری»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، زمستان، دوره چهارم، شماره ۱۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۷)، *چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۴)، *اصول و مبانی روابط بین الملل*، تهران: انتشارات سمت.
- سجاد پور، محمد کاظم، (۱۳۹۱)، *سیاست خارجی و دنیای پرتلاطم*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- سرخیل، بهنام، (۱۳۹۶)، *جایگاه فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر رفتارهای حمایت‌گرانه*، قم: موسسه بین‌المللی الهدی.
- سعیدی، روح‌الامین، (۱۳۹۳)، *دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی لبنان*، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.
- عطایی، فرهاد، قادری کنگاوری، روح‌الله، ابراهیمی، نبی‌الله، (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، ایران و آمریکا در عراق جدید»، *فصلنامه سیاست*، دانشگاه تهران، پاییز، شماره ۳.
- گریفیتس، مارتین، (۱۳۸۸)، *مفاهیم کلیدی روابط بین‌الملل*، ترجمه محمد امجد، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، (۱۳۸۸)، *اهداف، ساختار و فعالیت‌های مجمع تقریب*

مناهج/اسلامی، تهران: معاونت فرهنگی.

- نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۱)، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ویلتز، پیتر، (۱۳۸۳)، بازیگران فراملی و سازمان‌های بین‌المللی در سیاست جهانی، در: جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها)، ج ۱، توسط جان بلیس و استیو اسمیت، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- هرسیج، حسین، تویسرکانی، مجتبی، جعفری، لیلا، (۱۳۸۸)، «ژئوپلتیک قدرت نرم ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، بهار، شماره ۲.
- هرسیج، حسین، ستوده، علی اصغر، اصلانی، عابد، (۱۳۹۱)، «تأثیر جنبش‌های اسلامی - مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، پاییز، شماره ۳.

#### ب- انگلیسی

- Nathan, L, (2001), Undue Pressure, Reychler and T, Paffenholz; Eds, *Peacebuilding: A Field Guide*, In 1, Boulder: Lynne Rienner.
- Smith, Steve, Dunne, Tim & Hadfield, Amelia, (2016), *Foreign Policy: Theories, Actors, Cases*, London: Oxford University Press.
- Tavares, R, (2018), "The Rise of 'Para-Diplomacy': The Implications of Increasing Sub-national Relations on Trade and Diplomacy", Available at: <http://www.horizons.gc.ca/en/content/rise-para-diplomacy-implications-increasing-sub-national-relations-trade-and-diplomacy>, (accessed on 2018, apr 12).
- Tavres, Rodrigo, (2016), *Paradiplomacy - cities and states as global players*, Oxford: Oxford University Press.